

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه صد و دهم، ۸ خرداد ۱۴۰۱

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/ راهکارهای فرار از ربا / خرید و فروش سفته و اوراق اعتباری

### 1- حدیث اخلاقی (گام‌ها و منازل سیر و سلوک در خطبه متقین)

«أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى خَلَقَ الْخَلْقَ حِينَ خَلَقَهُمْ عَنِيًّا عَنِ طَاعَتِهِمْ، آمِنًا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ، لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةٌ مِنْ عَصَاهُ، وَلَا تَنْفَعُهُ طَاعَةٌ مِنْ أَطَاعَهُ، فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَايِشَهُمْ، وَوَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ، فَأَلْمُتُّوْنَ فِيهَاهُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ: مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ، وَمَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ، وَمَشِيئُهُمُ التَّوَاضُّعُ، غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، وَوَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ [1].»

در بیان گام‌های سیر و سلوک و منازل آن و تقوای حقیقی و خصیلت‌های پروا پیشگان و خودنگهداران بودیم. گفتیم اینها اهل فضایل هستند. علم و عمل‌شان بر صواب است. اینها سیره زندگی‌شان بر اعتدال است. خَلَقَ و خُلِقَ آنها بر اعتدال است.

#### 1-1-1، منزل هجدهم: رعایت تواضع در همه امور

بعد حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «مشیهم التواضع». مشی، به معنی راه رفتن نیست. گرچه برخی به معنی گام برداشتن گرفته‌اند. راه رفتن متکبرانه ندارند. به نظر ما این فقط راه رفتن ظاهری نیست. راه رفتن ظاهری، نمادی از تواضع باطنی آنها است. مشی، همه رفتارهای آنها را شامل می‌شود. در عقایدشان قائل به تواضع هستیم، در احکام و در اخلاق و رفتار هم آمیخته به تواضع هستند. اینها سه اصل اساسی را رعایت می‌کنند. درست‌کاری، میانه‌روی و فروتنی. در تمام این مراحل، اهل دقت هستند. می‌دانید همه سیر و سلوک، از زبان شروع می‌شود. مردم بر درهم و دینارشان قفل می‌زنند، ولی بر زبان قفل نمی‌زنند. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا اللِّسَانَ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ وَ شَرِّ فَيَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَخْتَمَ عَلَى لِسَانِهِ كَمَا عَلَى ذَهَبِهِ وَ فَضْتِهِ [2].»

انسان‌های متقی، اهل تواضع هستند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: حضرت حق به جناب داوود (علیه السلام) خطاب کردند: «یا داوود کما أن أقرب الناس من الله المتواضعون كذلك أبعد الناس من الله المتكبرون»؛ [3] ای داوود! همانطور که نزدیک‌ترین افراد به خداوند، انسانهای فروتن هستند، دورترین افراد هم به خداوند انسانهای متکبر هستند.

این عبارت «و مشیهم التواضع»، یعنی سیره و روش افراد پروا پیشه، تواضع و فروتنی است؛ به خصوص اگر اهل علم و نظر باشند. عالمان متقی باید تواضع آنها بیشتر باشد. درخت وقتی میوه می‌گیرد، سر فرود می‌آورد.

تواضع ز گردن فروزان نکوست گداگر تواضع کند خوی اوست  
اگر کسی علم، مال، قدرت و توانایی داشت تواضع کند، مهم است.

### 1-2-1، منزل نوزدهم و بیستم: کنترل و مراقبت از چشم و گوش

«عَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، وَوَقَّفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ»؛

اینها چشم‌های خود را فرو می‌بندند و سر به زیر هستند. «غمض البصر»، یعنی چشم را بر هم می‌گذارند؛ «غض البصر»، یعنی کوتاه کردن نگاه؛ به هر چیزی نگاه نمی‌کنند. مراقب چشمان خود هستند. از هر چه خدا حرام کرده است، چشم خود را می‌بندند. نسبت به محرمات الهی، خطوط قرمز دارند.

گوش‌های‌شان را متوقف ساختند. موقف گوش‌های آنها بر علم نافع است. انسان از سمع و گوش، رشد می‌کند. ﴿وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾؛ [4] خداوند شنوا و بینا است. شنوایی و بینایی اول از آن خدا است. اینها گوش‌های‌شان را برای علم نافع - نه هر علمی - آماده کرده‌اند. علمی نافع است که در مسیر تعالی و حضرت حق باشد. دنبال ارزش‌های معنوی و سعادت هستند. اولین چیزی که انسان با جهان خارج مرتبط می‌شود، چشم و گوش است. متأسفانه افول بشر و سقوط انسان هم از همین چشم است.

ز دست دیده و دل، هر دو فریاد که هرچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد زخم بر دیده تا دل گردد آزاد [5]

این چشم برای انسان کارها می‌کند. لذا انسان‌های با تقوا روش‌شان متواضعانه است و مراقبت از چشم دارند که نظرشان آلوده نشود. چشم، نگاه‌های ناپاک نداشته باشد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «النَّظَرُ سَهْمٌ مِنَ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ.»

### 2، 1-2.1-1، راهکار مراقبت از چشم

بزرگان برای راهکار کنترل چشم گفته‌اند: یا به آسمان نگاه کنید، یا به زمین. یعنی در معرض معصیت، از فرشته‌های آسمان و زمین کمک بگیرید. صبر بر معصیت، مهم است. صبر بر معصیت، بستر صبر بر طاعت و صبر بر مصیبت است؛ چون انسان رفاه طلب است؛

لذت طلب است. اینها می‌خواهد انسان را از اعتدال خارج کند. این گوش می‌خواهد آوازهای خوش را بشنود؛ نباید گوش کند. حضرت امام رحمه‌الله از آیت‌الله شاه‌آبادی رحمه‌الله - که امام به ایشان می‌گفتند: روحی له الفداء - سؤال کردند: «چه کنم اراده‌ام قوی شود؟» ایشان فرمودند: «مراقب تغنیات باشید». انسان باید مراقب چشم و گوش باشد تا هرزه‌نگر نباشد و هر چیزی را نشنود، تا در سیر و سلوک پابرجا باشد. ان‌شاء‌الله اینگونه باشیم و با سرمشق گرفتن از این خطبه، سیر و سلوک را به اکمال برسانیم.

## 2- خلاصه جلسه گذشته

معاملات در بورس و غیر آن، باید مالیت داشته باشد.

نباید معاملات غرری و سفهی باشد. اگر غرری و سفهی بود، معامله باطل است.

معاملات، نباید ربوی باشد.

باید خطوط شرعیه معاملات، رعایت شود. معامله سفیه و معامله غرری و ربوی هرگونه سود داشته باشد، باطل است.

## 3- انواع مالیت داشتن اشیاء

گفتیم مالیت، دو اعتبار دارد:

مثال: تکه کاغذی است که نصف صفحه است و مالیت ندارد. اگر چند سطر نوشته شده باشد و خط یکی از بزرگان باشد، یا خط کسی باشد که یادگاری می‌خواهد نگه دارد، ارزش‌گذاری می‌کند و می‌داند فلانی احتیاج دارد، اینجا مالیت دارد و مبلغ را بالا می‌برد. مثال دیگر، چک است و تمبر و سفته و حواله‌جات افراد و برات‌ها، همه جزو همین مقوله هستند. اعتبارش، به اعتبار معتبر است.

تمبری است که زمانی یک ریال و دو ریالی بود. الآن هیچ ارزش مادی ندارد، ولی شاید ارزش تاریخی و نگهداری داشته باشد. شاید آن دو ریالی را کسی چند هزار تومان معامله کند. خزائی می‌خواهد درست کند و باقی باشد.

## 4- مالیت اشیاء به اعتبار مُعْتَبَر است

اعتبار به ذاتی و عرض تقسیم می‌شود. مالیت اعتباری هم قابل خرید و فروش است. قبلاً می‌گفتند: یک دانه گندم و جو قابل خرید و فروش نیست. ما می‌گوییم این‌گونه نیست؛ در مواردی قابل خرید و فروش است. مثلاً بذری است که در معرض نابودی قرار گرفته است و

چند دانه بیشتر باقی نمانده است. مالیت، به اعتبار معتبر است؛ اگر به عنوان دانه گندم باشد، معامله اش سفیهانه است، ولی اگر گندم باقی مانده باشد، عاقلانه است و می تواند معامله کند.

در معاملات ربوی هم عرض ما این است که تمام چیزهایی که اعتبار دارند، از همین سنخ هستند. قیمت گذاری بر اساس زمانه ترسیم می شود. در زمانی برخی فقها سفهی بدانند، ولی در زمان ما سفهی نیست. اگر عقلاً معامله کنند، قابل ارزش است؛ مانند: سفته و تمبر و حواله جات.

مسائل مستحدثه، یعنی مسائلی که جدید هستند و نوآوری دارد. اگر مبنای تطبیق را داشتیم، طبق همان عمل می کنیم، ولی اگر به لحاظ عقلاً تأسیسی و به نظر شارع، امضایی بودیم، مساله فرق می کند.

#### 5- پیوسته بودن مبلغ زیاده به معامله یا قرض، ملاک در صدق ربای معاملی و قرضی

در ربای معاملی یا قرضی، برخی اصلاً موضوع ربوی ندارد؛ مثلاً زیاده در غیر مکیل و غیر موزون اگر اضافه بگیریم، مثلاً معدود باشد، ربای قرضی نیست، ولی اگر اضافه، متصل به معامله باشد، شاید ربای قرضی معاملی بشود. گاهی ربای معاملی نیست، ولی ربای قرضی است. به نظر ما اگر زیاده، پیوسته به معامله باشد و جزو موضوعاتی باشد که ربا در آنها صدق می کند، جزو مصادیق ربا است.

#### 6- مشروعیت معامله کردن ارزشهای کاغذی و ارزشهای دیجیتال به مبلغ اضافه

پولها و ارزها در دنیا پیشرفت کرده است. ما بین لیره و روپیه و دینار با ارزشهای جدید به عنوان ارز دیجیتال فرقی نمی گذاریم. اگر اعتبار و منشأ عقلایی داشته باشند و ارزش گذاری کنند، اشکالی ندارد. آیا ارزشهای دیجیتال که منشأ آن مشخص نیست، سفیهانه و غرری نیست؟ اگر رایج است و قابل تملیک و تملک و ارزش اعتباری است و بین دول و ملل معامله می شود، شاید بی اشکال باشد؛ چون اعتبار عقلایی دارد. برای این ارز دیجیتال در بانکهای جهانی، ارزش قائلند و پولهای دیگر می دهند. هم اعتبار عقلایی لازم است و هم منع شرعی نباشد؛ غرری و سفهی و ربوی نباشد و مالیت داشته باشد.

نظر ما در تمام ارزها، همین است. اینها از معاملات ربوی خارج است؛ چرا که جزو معدودات هستند، نه مکیل و موزون. اگر پول دیگری را اضافه دهد، بر مبنای ما، بی اشکال است.

اسکناسها، غیر از طلا و نقره هستند؛ اعتبار مشخص دارند.

#### 7- راهکارهای برون رفت از ربای قرضی

### 7.1- راهکار یازدهم: خرید و فروش سفته

سخن در این است که از راه‌های برون‌رفت از ربای قرضی، سفته است. آیا سفته قابل خرید و فروش است، یا خیر؟

#### 7.1.1- معنای سفته

سفته بین مردم رایج است. این سفته، خودش اعتبار ندارد و مانند پول است. سفته، کاشف از یک ذمه و دین بر ذمه‌ای است که آن دین و ذمه، اعتبار دارد. برای همین بین این چند عنوان فرق است: پول، چک، سفته و حواله‌جات.

شاید در اینکه همه اینها قابل مبادله هستند، شریکند، ولی فرق دارد.

پول، اعتبار مادی بالفعل دارد و ثمن قرار می‌گیرد.

چک هم مانند پول، اعتبار تضمینی دارد؛ مانند چک پول‌های ۵۰,۰۰۰ تومانی.

#### 7.1.2- کاشفیت سفته از دین

سفته، خودش خرید و فروش نمی‌شود، بلکه اعتبار و ذمه‌ای را می‌رساند که آن اعتبار و ذمه قابل خرید و فروش است. گاهی مغازه، سفته را گران‌تر از بانک می‌فروشد و دلالتی می‌کند. این به اعتبار عقلا، کم و زیاد، خرید و فروش می‌شود. ولی گاهی سفته مقابل دین است. شخصی بدهکار است و جای آن مکتوب می‌دهد. سفته، حکم نوشته‌های سابق را دارد؛ نماد بدهکاری است. شخص اول از دومی این قدر بدهکار است. بدهکاری نسبت به بستان‌کاری است. این کاشفیت از بدهکاری است. اگر کسی این بدهکاری را معامله کرد، آیا جایز است؟ من به شما پولی دادم و شما سفته می‌دهید. مثلاً من از کسی یک میلیون تومان طلب دارم و به ارزش همین مبلغ، از او سفته دارم؛ این سفته‌ی یک میلیون تومانی را به ۹۰۰,۰۰۰ تومان معامله می‌کنم و سفته را به خریدار می‌دهم؛ او سر موعد، سفته را یک میلیون تومان می‌گیرد؛ هم سفته نقد شده و هم من معامله کرده‌ام؛ آیا این خرید و فروش سفته به مبلغ بیشتر یا کمتر جایز است؟

#### 7.1.3- مشروعیت خرید و فروش سفته به قیمت کمتر

به نظر ما سفته‌های بانکی، یا غیر بانکی از باب اسقاط دین شخصی است، به شخص دیگر و معامله دین به معامله جدید است و اشکالی ندارد.

از راه‌های برون‌رفت از ربای قرضی است این است که معامله جدید داشته باشد که باید در جلسه بعدی توضیح دهیم.

امام و دیگران قائل به این هستند که اشکال ندارد.

#### 7.1.4- نظر امام رحمه‌الله در خرید و فروش دین به قیمت کمتر (نزول)

مسألة ۸ - «يجوز تعجيل الدين المؤجل بنقصان مع التراضي، وهو الذي يسمى في لسان تجار العصر بالنزول، ولا يجوز تأجيل الحال ولا زيادة أجل المؤجل بزيادة [6].»

نزول که گفته می‌شود این است. هر نزولی، حرام نیست. اگر کم کردن و نزول در مقابل جنس باشد که ربای معامله‌ای یا قرضی در آن راه دارد، حرام است، ولی اگر مدت را خرید و فروش کرد، اشکالی ندارد.

---

[1] أنهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ۱، ص ۲۰۴، خطبه ۱۹۳.

[2] تحف العقول، ابن شعبة الحراني، ج ۱، ص ۲۹۸.

[3] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۱۵، ص ۲۷۳، أبواب جهاد النفس، باب ۲۸، ح ۲، ط آل البيت.

[4] شوری/سوره ۴۲، آیه ۱۱.

[5] بابا طاهر همدانی، دویبیتی‌ها، دویبیتی شماره ۲۳.

[6] تحریر الوسيلة، الخميني، السيد روح الله، ج ۱، ص ۶۴۹.